

ناغی مەر

بەوت و ناغی، چە کەند و دانیان ما
حریت و حەرمی کە ناغی زبانیان ما

دەشانی بی نشان، چە سەرایە زبانیان ما
بامەرویا و حضرت زهرا (س) عەجین بود

سرشناسه کتاب: ثیلخانی، محمد، ۱۳۳۱-

عنوان کتاب و نام پدیدآورنده: باغچه مهر/ محمد ثیلخانی (مهرالزهرا)

نوبت چاپ: اول

شمارگان (تیراژ): ۱۰۰۰ جلد

مشخصات نشر: اصفهان؛ فرزندگان راندیش، ۱۳۹۵؛ www.farapub.com

مشخصات ظاهری: ۱۹۶ صفحه، وزیری

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۵۹۴-۰۰-۰

شماره کتابشناس ملی: ۴۲۹۱۵۰

وضعیت فهرست‌نویسی: فیه

یادداشت‌ها:

موضوع: شعر فارسی-- قرن ۱۴

موضوع: Persian poetry-- 20th Century

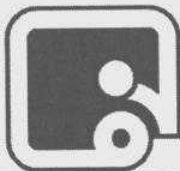
رده‌بندی دیوینی: ۸۱۹/۶۲

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۵ ب۸ ی/ PIR۸۳۶۵

حروفچینی، صفحه‌آرایی، طرح جلد: فرزندگان راندیش

چاپ و صحافی:

قیمت:



فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	خاک
۲	بار الها نفای کن به ما
۱۵	کرت یک
۱۶	چون گزاف افسر پاییز سراغ از دل ما
۱۷	سحر چو دایح سکسم زند به ما
۱۸	خواب دیدم که در این ملک آب
۱۹	یا رب آن خلوت دل بهر اگر هست کجاست
۲۰	دل به گوشه‌ای از غم شراب می‌گد
۲۱	در می‌کده پیمانه به دلخواه ندادند
۲۲	ز آن دم که قضا در خم ادراک نهادند
۲۳	با خیر باش دلا بار همه بار زدند
۲۴	دوش هوای صنم چه فتنه انگیز بود
۲۵	هر چند هوای شب آدینه ملس بود
۲۶	دوش دیدم که در آینه به جز یار نبود
۲۷	دوش در خلوت دل نفس بد اندیش نبود
۲۸	شکر ایزد که در می‌کده‌ها بسته نبود
۲۹	اشک‌ها باز تداعی کندم خون جگر
۳۰	بر در می‌کده ما را گذری هست اگر
۳۱	بازم آن زلف دو تا کرده معمای دگر
۳۲	مدعی چاره دل از دل رنجیده بیرس
۳۳	یک ننگه از تو زمان فرصت ایام گرفت
۳۴	باز آن صنم خوشرو آمد به خیالاتم

- تا که به دل رنگ نقش زدم..... ۳۵
- دوش بر حال پریشان دلم فال زدم..... ۳۶
- دیدم رخ زیبای تو را آه کشیدم..... ۳۷
- در وقت سحر نکته‌ای از غنچه شنیدم..... ۳۸
- ما چه کردیم خدایا که خطاب آمده‌ایم..... ۳۹
- ما در این خانه خجاکی به چه کار آمده‌ایم..... ۴۰
- ما نظر کرده‌ایم ز رخسار ابائی و مستیم..... ۴۱
- ما همانیم که کوه بالا آمده ایم..... ۴۲
- ما در این عرصه دایه کس بسته شدیم..... ۴۳
- تا برق نگر از رخ معشوق و در..... ۴۴
- گشتیم و در این میکرده یک مشت ندایم..... ۴۵
- از دخت رزان درد شفا داده ندیدیم..... ۴۶
- تا بر دل خود چهره آن فرد کشیدیم..... ۴۷
- باز آمد و درد آمد در این شب بیداران..... ۴۸
- چهره نما ای صنم چاره ما ساز کن..... ۴۹
- کودک دل ز چنه رو باز به راه افتاده..... ۵۰
- به زیر گنبد هستی گرفته‌ام تاقی..... ۵۱
- از یاد تو دل گشته منور چه خیالی..... ۵۲
- ساقی بده یک باده ز آن ساغر پنهانی..... ۵۳
- کرت دویم..... ۵۵
- هر شب این دل ز من خسته سؤالت کندا..... ۵۶
- ای دل مطلب راحتی ملک جهان را..... ۵۷
- دست نقاش ازل تا که کشیده است تو را..... ۵۸
- بر ملا کن دست و بازویی که می‌دیدم تو را..... ۵۹
- بگشوده غم توحید ساقی به خمستان‌ها..... ۶۰
- در غم هجر تو ای دوست بنالم همه شب..... ۶۱

- ۶۲ دل کعبه دل خواهد و این کعبه ز سنگ است
- ۶۳ دل عاشق روی گل بی مثل و مثال است
- ۶۴ آتش به درخت آمد و زد مهر نشانی
- ۶۵ تا که دلبر بر حصیر هستی ما پا گذاشت
- ۶۶ ای لب خندان تو غنچه اردیبهشت
- ۶۷ آن غم هرگز در دل از عالم بالا گرفت
- ۶۸ ساقی به مانند امشب سیو گرفت
- ۶۹ آن کس که غم نیست ر هست ندارد
- ۷۰ تا که زلفش رو ما را تار کرد
- ۷۱ این دلم باز ز من چون چرا می رسد
- ۷۲ چرا این روزگار ما چنین هیچ و غم باشد
- ۷۳ رخ ماه دلبر ما تو بگو دلا کجا شد
- ۷۴ حرف عشق آمد و این فاصله ها پیدا شد
- ۷۵ غزل از دست تو افتاد و جهان شاعر شد
- ۷۶ آینه ببندید که خورشید بر آمد
- ۷۷ کاش می شد دگرم باز از آن باده دهند
- ۷۸ به فلق عطر نگاهش چو کند عزم فرود
- ۷۹ تیر مژگان تو بر قلب من اجحاف نبود
- ۸۰ پیش ابروی خمت هر که دلش خم نبود
- ۸۱ دلا شکوه مبر جایی که آن دلدار می آید
- ۸۲ خوش بود گر که بیستم قد آن سرو نگار
- ۸۳ ز برت بارقه ای زد به سرم بار دگر
- ۸۴ ساقیا میکده را باز نکردند هنوز
- ۸۵ زد قدم بر عالم ناسوتیان انسان عشق
- ۸۶ گر یک نفسی نکفت بارم برسد گل
- ۸۷ لطفی بنما دوست به منوال تو کردم

- در کوچه تنهایی دنبال تو می‌گردم ۸۸
- دلبر اراه بده خانه بدوشم همه دم ۸۹
- گشتیم و ندیدیم چرا دوست به عالم ۹۰
- گل به باغ آمده یا این که منش می‌یشم ۹۱
- لب گشوده است مگر بار غزل می‌شوم ۹۲
- ما در طلبیدن صووس بهشتیم ۹۳
- ما شر نفس از نفس یار گرفتیم ۹۴
- ای شه نظری کن که در بازیم ۹۵
- ساقیا امشب بده ار باده فیم ۹۶
- باز آمده عطری که کند ناز در و آن ۹۷
- ای باد صبا با من دلتنگ سخن گو ۹۸
- اشک غم از رخ ما بار دگر افتاده ۹۹
- تو را که شهر محبت نبوده چون گذری ۱۰۰
- غم مخور ای جان من جان جهان آید همی ۱۰۱
- کرت سیم ۱۰۳
- گرچه زد باد بهاری این زمان در کربلا ۱۰۴
- روز و شب در پشت هم طی می‌شود ایام ما ۱۰۵
- ای که زند قامت طعنه به شمشادها ۱۰۶
- ای که غمت گلشن امیذا ۱۰۷
- در خیام آل عصمت^(۱) چون شادی قحطی آب ۱۰۸
- خیالش را به سر دارم چگونه سر کنم امشب ۱۰۹
- حسین بن علی^(۲) سلطان عشق است ۱۱۰
- نور خدا نمایان از چهره حسین^(۳) است ۱۱۱
- باز آن گل خورشید به یاد وطن افتاد ۱۱۲
- هر آن که بر لب جاننش خدا خدا دارد ۱۱۳
- دل به خلوت غم آشیانه می‌گیرد ۱۱۴

- ۱۱۵ به جز دیدنت آرزویی نباشد
- ۱۱۶ ز صوت دلنواز او کلام عشق پیدا شد
- ۱۱۷ از دل فغان برآمد ماه محرم آمد
- ۱۱۸ ماه تویی و آبها به گرد تو ستارده اند
- ۱۱۹ صد شکوه است از این دل و حاشا نمی کند
- ۱۲۰ ساقیا من از آن خیم که زکانی نبود
- ۱۲۱ ای مهر من معنی دین باطن توحید
- ۱۲۲ بلبل همه دم در چمن وصال تو گوید
- ۱۲۳ نیمه مه آمد و آمد مهستی دگر
- ۱۲۴ من حسینم^(۲) عالم امکان کوی هنوز
- ۱۲۵ ای که رسی طوس چو سالک عشق
- ۱۲۶ ما قبله ندانیم به جز روی ابوالفضل^(۳)
- ۱۲۷ از چه گویم یا که گویم من چه را گم کرده
- ۱۲۸ دلم آینه دردی که درماش نمی بینم
- ۱۲۹ رزق پیمانه گرفتیم و به پیمان شده ایم
- ۱۳۰ نیست رفیقی که رفاقت کنیم
- ۱۳۱ ای نگاهت مهربانی را ضمان
- ۱۳۲ برو ای غم مرا امشب رها کن
- ۱۳۳ تا که افتادش ز پا آن سرو یاسین^(۴) بر زمین
- ۱۳۴ وحی آمد از خدا این بار چون در ثمین
- ۱۳۵ باز دلا شادی مردم بین
- ۱۳۶ یار حق دل می شود چون می شود یار حسین^(۵)
- ۱۳۷ به جز کویش در این عالم حرم کو
- ۱۳۸ می رسد کوی وفا بار دگر آهسته
- ۱۳۹ چو زد فروغ تجلی به نیمه ماهی
- ۱۴۰ ای شاه مدائن نظری کن به گدایی

- ز حج می آمدند آمد ندایی ۱۴۲
- کرت چهارم ۱۴۳
- ای نور شمع انجمن ۱۴۴
- از شعف قدسیان پر شده عرش برین ۱۴۶
- زد به عالم نقش امکان قائل اندر کاف و نون ۱۴۸
- آن ولایت را که دلم از ازل مال تو بود ۱۵۰
- ز هر عرف می رسد بوی گل و یاسمین ۱۵۲
- حسینم من که هر روز یک خوش غزل دارم ۱۵۴
- یک نمازی آرزو ارم ۱۵۶
- من بهشتم خاک زیر پاز ۱۵۹
- لن توانی را ز من بشنیده ای ۱۶۱
- چیست ادب، معرفت آدمی ۱۶۲
- مشو غره بر این خاک سیه فام ۱۶۳
- تابش خورشید همی گویدت ۱۶۴
- روز و شبم روشنی و تیرگی ۱۶۵
- دنبال چه سری تو در این خاک سیه فام ۱۶۶
- هر کس که کند غیبت یک فرد مسلمان ۱۶۷
- پنج چیز است علامت مؤمن ۱۶۸
- برون کن غیر حق از باطن خویش ۱۶۹
- درد نه آن است که شکایت کنی ۱۷۰
- لنگر هفت آسمان مدینه پهلو زده ۱۷۱
- سحر از بلبل مستی چو دل بشنید پیغام ۱۷۲
- خدا که در ازل چو زد نشان به مهر و ابتلا ۱۷۴
- چهارپارگ ۱۷۶